

خلیج فارس و جزایر ایران

(قسمت اول)

سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی
دانشیار دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

چکیده

خلیج فارس دارای موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای است. شرایط طبیعی از جمله کمی عمق، شوری آب و تبخیر زیاد از یک سو و ارتباط محدود با آب‌های آزاد جهان از طرف دیگر باعث برقراری اکوسیستم ویژه‌ای گردیده که مجموعه حیاتی داخلی خلیج فارس و سواحل آن را شکل می‌دهد.

خلیج فارس از گذشته‌های دور تاکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیکی جهان محسوب می‌شود. منطقه خلیج فارس یک واحد ژئوپلیتیکی می‌باشد که در حوضه‌های گسترده تر ژئواستراتژیکی اقیانوس هند قرار می‌گیرد.

منطقه جغرافیایی خلیج فارس به عنوان یکی از مراکز بسیار فعال اقتصادی با جهان عمل می‌نماید. صادرات آنرا نفت و گاز و واردات آنرا محصولات صنعتی و مواد غذایی تشکیل می‌دهند. استعداد طبیعی و منابع سرشار نفت و گاز در برقراری نظام اقتصادی تک محصولی کشورهای ساحلی تأثیر گذاشته است.

موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس به صورت دریای نیم‌بسته‌ای است که در جنوب غربی آسیا در محدوده ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی قرار دارد. طول آن از دهانه فاو تا بندر عباس ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۵ تا ۳۳۳ کیلومتر و عمق متوسط آن بین ۲۵ تا ۳۵ متر است و به همین دلیل خلیج فارس به صورت یک فلات قاره می‌باشد. وسعت خلیج فارس نزدیک به ۲۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع است که نزدیک به ۶۲ درصد آبهای جهان را شامل می‌شود. خط القعر ناودیس خلیج فارس نزدیک سواحل ایران است که پس از عبور از مابین جزایر (تنب) و (فارور) در منطقه تنگه هرمز به سمت ساحل شبه جزیره المستدم کشیده می‌شود.

آبهای خلیج فارس از سایر دریاهای جهان شورتر است. چون آب رودهای آن نمک و املاح دارد و میزان تبخیر آن نیز بیش از آب دریافتی از باران و رودخانه‌ها است.

میزان نمک در خلیج فارس بین ۲۸ تا ۷۰ در هزار و در مناطق کم عمق بین

۲۶۰ تا ۲۰۰ در هزار اندازه گیری شده است. درجه حرارت در تابستان ۳۲ تا ۳۴ درجه سانتیگراد و در زمستان ۱۵ درجه و در تنگه هرمز ۲۱ درجه سانتیگراد است. در عمق ۲۰ تا ۴۰ متری دمای آب ۲۱ درجه می‌باشد.

طوفان شن در شمال غربی تا مرکز خلیج فارس می‌وزد و تعداد روزهای طوفانی از ۱۶ تا ۳۵ روز متفاوت است. ذرات مطلق در هوا به طور متوسط ۰/۳ میلی گرم در متر مکعب اندازه گیری شده است.^(۱)

خلیج فارس با ویژگیهای خود یعنی کمی عمق، شوری آب، ارتباط محدود با آبهای آزاد جهان، اکوسیستم ویژه‌ای را تشکیل داده است و مجموعه حیاتی وابسته و پیوسته‌ای را در کف، داخلی، بالا و سواحل خلیج فارس به وجود آورده است. آبیان خلیج فارس عمدتاً شامل پستانداران، پرندگان، ماهیان، بی‌مهرگان، جلبکها و انواع صدفها هستند.

بروز (مه) و (نزم)^(۲) که از نظر کشتیرانی و عملیات نظامی اهمیت دارد از ویژگیهای اقلیمی خلیج فارس است. تشکیل مه غلیظ در تابستان نزدیک ساحل و در اوایل صبح روی می‌دهد و محلی و کوتاه مدت است ولی نزم که همراه باد شمال و در ماههای خرداد، تیر و مرداد به دنبال خشکی زمین بروز می‌کند، میدان دید را تا یک کیلومتر و گاه تا ۸۰۰ متر کاهش می‌دهد. در خلیج فارس منطقه بحرین بیش از سایر نقاط در معرض طوفان شن و نزم قرار دارد.^(۳) سمت شمال غرب و منطقه دلنای رودخانه‌ها در خلیج فارس هر سال ۵۳ متر خشکی در آب پشروی دارد و گمان می‌رود که در مدت سه هزار سال قبل، ساحل خلیج فارس به میزان ۱۵۰ کیلومتر در آب پیش آمده باشد و یکی از دلایل آن را نبود شهر قدیمی در نزدیک مصب رودخانه‌ها ذکر می‌کنند. عوامل زمین ساختی که باعث شده است خلیج فارس به صورت بزرگترین مخزن نفتی جهان درآید عبارتند از:

- ۱- رسوب و ته‌نشین شدن بدون انقطاع آب دریا طی دوره (پرمین) تا دوره (میوسن) سفلی.
- ۲- مدفون شدن مواد آلی با گل‌های آهکی در ته دریا با حجم زیاد که پس از تغییر شیمیایی و بیوشیمی سنگهای پر از مواد نفتی را با قطر زیاد و

طول و عرض وسیع تشکیل داده‌اند.

۳- تا خوردن قشر زمین در اثر حرکات زمین که منجر به تاقدیسها و ناودیسها شده است.

۴- متخلخل بودن سنگها که منجر به انتقال نفت در رأس قوسها شده است.

۵- وجود سرپوش سنگی محکم و غیر قابل نفوذ در بالای سنگ مخزن نفت. (۴)

حضور وسیع تر و طولانی تری در منطقه داشته است. (۷)

اهمیت خلیج فارس

به شش عامل اصلی ذیل ارتباط دارد:

۱- موقعیت جغرافیایی

۲- ذخایر عظیم نفت و گاز

۳- بازار مصرف

۴- نقش فرهنگی و اعتقادی

۵- کشتیرانی و ترابری دریایی

۶- منابع آبریز دریایی.

موقعیت نسبی

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. از نظر استراتژیک در منطقه خاورمیانه به عنوان مهمترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است. بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دریای مدیترانه و اقیانوس هند و کبیر و اطلس را به هم پیوند می‌دهد تشکیل داده است. تجار و بازرگانان کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌پودند. نیازمندیهای متقابل ساکنان شبه جزیره جنوب غرب آسیا و ساکنان شرق و شمال آفریقا و همچنین جنوب آسیا باعث شده است که خلیج فارس همواره کانون همگرایی بازرگانی و تجارت باشد. چنانکه امروز نیز خلیج فارس کانون تهیه و پخش کالاها و نیازمندیها و نیز گردآوری و توزیع فرآورده‌های صادراتی ساکنان جنوب غرب آسیا برای همدیگر و نیز برای سایر نقاط است. از طرف دیگر از آنجایی که خلیج فارس و تنگه هرمز کشورهای حاشیه‌اش را با اقیانوس هند مرتبط می‌کند باعث شده به صورت یک منطقه عملیاتی در استراتژی نظامی مورد توجه قرار گیرد. (۸)

تاریخ خلیج فارس

خلیج فارس از قدیم‌الایام به این نام معروف بوده است. طبق مدارک بدست آمده به ویژه کتیبه‌ای که در موقع حفر کانال سوئز از داریوش بدست آمده این خلیج به نام دریای پارس خوانده شده است.

مورخان و محققان خارجی دنیای قدیم از آن جمله هرودوت، نثارخوس، استرابون، کورسیوس رومی و نیز محققان اسلامی نظیر اصطخری، مسعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقدسی و ناصر خسرو در آثار و نوشته‌های خود از آن به نام خلیج فارس یا دریای پارس یاد کرده‌اند. (۵)

بطلمیوس در قرن قبل از میلاد این خلیج را به نام پرسیکوس سینوس یاد کرده که به معنی خلیج فارس است. خلیج فارس طبق اسناد موجود از هزاره هفتم قبل از میلاد مورد استفاده تجاری و نظامی ملل دنیای قدیم قرار گرفته است و تمدنهای باستانی بابل، بین‌النهرین، ایرانها، یونانها و اعراب از موقعیت ممتاز و برجسته آن استفاده کرده‌اند. (۶)

در کتاب حدود العالم به عنوان قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده، آمده است: "خلیج پارس از حدپارس برگردد تا پهنای اندک تا به حدود سند".

داریوش هخامنشی و اسکندر مقدونی هر کدام با اعزام نماینده‌ای به خلیج فارس درباره آن به تحقیق پرداختند. ساسانیان نیز در سواحل جنوبی

نسیرو پیاده کردند و یمن و مسقط را به تصرف خود درآوردند، سپس مسلمانان مدتها به منطقه تسلط داشتند و از موقعیت ارتباطی آن استفاده می‌کردند.

از قرن شانزدهم، پای قدرتهای دریایی اروپا به منطقه باز شد، ابتدا پرتغالها و سپس هلندیها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به منطقه آمدند و بر تمام یا بخشی از آن حکمرانی داشتند و با ایجاد پایگاههای نظامی و تأسیسات تجاری حضور خود را تثبیت کردند. از میان آنها انگلستان



نقشه شماره ۱: خلیج فارس و جزایر ایران

با جایگزین شدن نظریات ژئواکونومیک به جای نظریات ژئوپولیتیکی و الویت یسافتن اقتصاد در دهه‌های اخیر، اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس به مراتب چشمگیرتر شده و حتی بر اهمیت آن افزوده شده و خواهد شد، زیرا با این دیدگاه خلیج فارس به مثابه شاه‌رگ اقتصادی جهان معاصر است.

تنگه هرمز نه تنها

- تنگه هرمز (میان خلیج فارس و دریای عمان)

- تنگه باب‌المنندب (میان دریای سرخ و دریای عربی)

- کانال سوئز (میان دریای سرخ و دریای مدیترانه)^(۱۴)

۳) واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران: تنگه هرمز در مسیر ارتباط به داخل فلات ایران قرار دارد و بزرگترین و نزدیکترین راه ارتباطی اقیانوس هند به داخل فلات ایران از بندرعباس و شمال تنگه هرمز عبور می‌کند. به علاوه بندرعباس تکیه گاه بحری جمهوری اسلامی ایران است و حذف آن از جمهوری اسلامی ایران، یا کنترل تنگه هرمز توسط یک نیروی خارجی، به تغییر وضعیت جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود و جمهوری اسلامی ایران را تبدیل به یک قدرت صرفاً بری می‌کند.^(۱۷)

۴) قراردادن در موقعیت مناسب برای ورود قدرت بری به شبه جزیره عربستان: با توجه به اهداف قدرت بری که دسترسی به بخش شمالی اقیانوس هند تا خط فرضی جنوب هندوستان به انتیوپی است و رسیدن به این هدف و ورود به شبه جزیره عربستان و اشغال آن را ضروری می‌نماید. بهترین راه برای تهاجم به شبه جزیره (غیر از بخش شمالی آن) عبور از تنگه هرمز و تصرف شمال شرق آن است.

۵) موقعیت تنگه در حاشیه و "ریملند": "ریملند" صحنه کشمکش دو قدرت زمینی و دریایی بود و هر دو برای جلوگیری از نفوذ رقیب بر آن تلاش می‌کردند. تنگه هرمز به دلیل واقع شدن در قسمت انتهایی جدار نازک "ریملند"، محل انطباق خطوط دفاعی دو قدرت یاد شده بود. یعنی خط دفاعی قدرت زمینی و خط دفاعی قدرت دریایی در تنگه هرمز بر هم منطبق می‌شد و در نتیجه هر دو قدرت بر کنترل آن نظر داشتند. شوری و قدرت زمینی، خط دفاع استراتژیک و موضع تدافعی خود را در حاشیه جنوبی از مدیترانه تا هندوستان از خلیج فارس و تنگه هرمز عبور می‌داد. غرب نیز در مقابل شوری سه جبهه دفاعی داشت که سومین جبهه دفاعی غرب در مقابل شوری، بر شمال خلیج فارس و تنگه هرمز منطبق می‌شد. تنگه هرمز در مرکز خط دفاعی قرار داشت. تنگه هرمز در مرکز خط دفاعی مشترک دو قدرت زمینی و دریایی واقع شده بود. پس از این طریق امکان کنترل شرق و غرب بخش مرکزی خط دفاعی نیز مقدور می‌گردید، زیرا حکم یک سهیل را برای منطقه داشت.

جنوب غرب آسیا، از ترکیه تا هندوستان تشکیل یک شبه جزیره را می‌دهد که یک واحد "ژئواستراتژیک" را به وجود می‌آورد. این واحد، خود در بخش مرکزی "ریملند" قرار دارد و خلیج فارس و تنگه هرمز محور و مرکز آن محسوب می‌شوند. در نتیجه کنترل این شبه جزیره با کنترل بخش مرکزی و کانونی آن (یعنی تنگه هرمز) به عنوان مرکز ثقل شبه جزیره، مقدور خواهد بود.^(۱۸)

۶) ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی: تنگه، جایگاه مناسبی برای برقراری ارتباط بین بدنه اصلی نیروی دریایی با واحدهای مستقر در خلیج فارس است و اساساً امکان دفاع از بخش شمالی خلیج فارس را به ویژه در خط دفاعی قدرت دریایی در مقابله با قدرت زمینی به وجود می‌آورد. در واقع نیروهای دریایی ضمن حفظ ارتباط با عقبه خود در اقیانوس هند،

برای اقتصاد جهان که برای کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز نقش حیاتی دارد، زیرا اقتصاد تمام این کشورها به نفت وابسته است و مسدود شدن تنگه هرمز، علاوه بر قطع‌های که به اقتصاد کشورهای صنعتی وارد می‌کند، به طور شدیدتری به زیان اقتصاد کشورهای منطقه تمام خواهد شد. وابستگی به تنگه هرمز، نه تنها از طریق وابستگی به صدور نفت است که از بعد تجارت غیرنفتی نیز جایگاه رفیعی دارد. زیرا صادرات غیرنفتی اکثر کشورهای منطقه (به جز عمان و تاحدی هم عربستان و عراق) نیز به تنگه هرمز وابسته می‌باشد.^(۹)

تنها حدود ۲۰٪ نفت صادراتی منطقه خلیج فارس از طریق خطوط لوله و با سایر طرق صادر می‌شود و ۸۰٪ بقیه، از طریق تنگه هرمز به جهان خارج صادر می‌گردد که میزان وابستگی بالای کشورهای منطقه و جهان را به این آبراه استراتژیک نشان می‌دهد.^(۱۰)

از آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی، خلیج فارس و تنگه هرمز، شریان حیاتی کشور ایران نام گرفت و در حال حاضر وابستگی اقتصاد ایران با تکیه بر تنگه هرمز، غیر قابل تفکیک است.^(۱۱) حدود ۸۰٪ از تجارت خارجی ایران از طریق تنگه هرمز و خلیج فارس انجام می‌شود. تمام نفت ایران از تنگه هرمز عبور می‌کند. زیرا برخلاف برخی کشورهای منطقه، ایران فاقد خطوط لوله جهت صدور نفت به خارج است.^(۱۲)

اهمیت تنگه هرمز، از اهمیت خلیج فارس تفکیک ناشدنی است. زیرا اگر خلیج فارس با تمام ویژگیهای آنرا حذف نماییم، تنگه هرمز ممکن است تنها دارای نقشهای محدود جغرافیایی و یا نظامی باشد.

امروزه هر شرایطی که نفت به عنوان مهمترین و اساسی ترین منبع انرژی جهان، نقش حیاتی و استراتژیک را در صحنه بین‌المللی و روابط کشورها ایفا می‌نماید، اهمیت آبراه هرمز و خلیج فارس، بیش از پیش مشخص می‌شود که این اهمیت رابطه تفکیک ناپذیری با جریان صدور نفت به کشورهای صنعتی، به ویژه ژاپن، کانادا، ایالات متحده آمریکا، آلمان و فرانسه دارد که به شدت نیازمند تولیدات نفتی هستند.^(۱۳) چنانکه ۹۰٪ نفت مورد نیاز ژاپن، ۷۵٪ نفت مورد نیاز اروپا و ۳۰٪ نفت فوق که برابر ۲۰ میلیون بشکه در روز است، از تنگه هرمز می‌گذرد.^(۱۴)

جنبه‌های ژئواستراتژیکی خلیج فارس و تنگه هرمز

۱) قراردادن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان غرب به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار: به دلیل نیاز اروپا، ژاپن، آمریکا و استرالیا به نفت منطقه خلیج فارس، این منطقه در فضای ژئواستراتژیک آنها قرار می‌گیرد. لذا از تنگه هرمز به عنوان نقطه کنترل و اعمال فشار که اهمیت استراتژیکی خاصی نیز دارد، یاد می‌شود. زیرا قطع صدور نفت از این تنگه، جهان را با بحران سختی روبرو می‌کند و لذا امری است که می‌توان به کمک آن به منافع استراتژیکی آمریکا و قدرت دریایی آسیب وارد ساخت.^(۱۵)

۲) تکیه گاه دفاعی شبه جزیره عربستان: شبه جزیره عربستان، سه نقطه کنترلی و دفاعی دارد که باعث تسهیل دفاع از آن می‌شود. این سه نقطه عبارتند از:

می‌توانند خط دفاعی خود را تا دهانه "قو" گسترش دهند. (۱۹)

و سواحل آن، در تنگه هرمز به حداقل نیرو نیاز دارند. به علاوه کنترل تنگه هرمز به مفهوم صرفه‌جویی در هزینه و زمان است و مشکل ایجاد وحدت فرماندهی و خطر تفرقه در واحدهای داخل خلیج فارس را نیز کاهش می‌دهد. (۲۴)

۱۲) **متکی بودن تنگه به آبهای آزاد اقیانوس هند:** انکای تنگه هرمز به آبهای آزاد و عمیق اقیانوس هند، امکان دفاع و تصرف تنگه را به قدرت بحری می‌دهد. زیرا نیروهای دریایی همراه با زیر دریاییها و واحدهای مکمل آنها مثل ناوهای هواپیمابر به راحتی امکان مانور و گسترش و آرایش موردنظر را در دریای عمان دارند و فضای آنها اجازه این کار را به قدرت بحری می‌دهد. (۲۵)

پی‌نوشت

۱- محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۶۷، ص ۱۶.
۲- عزم عبارت است از توده‌ای از ذرات ریز و غباریاد و دو مانند آن که یک کیلومتر کاهش دهد. (فرهنگ گیتاشناسی)

۳- دره میرحیدر، ژئوپلتیک تنگه هرمز و خلیج فارس، مجله سیاست خارجی، ص ۷۸.

۴- مسعود کیهان: جغرافیای طبیعی خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس.

۵- احمد عظیم‌مند، تحلیلی بر اوضاع ژئوپلتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۳۹۳.

۶- جغرافیای ایران - جلد اول، وزارت آموزش و پرورش، ص ۷۴.

۷- محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۶۷، ص ۱۹.

۸- عزت‌اله عزتی، جغرافیای نظامی ایران، دانشکده افسری، ۱۳۶۶، ص ۱۴۴.

۹- ماصفر جعفری و الدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، ۱۳۶۷، (وزارت امور خارجه)، ص ۵۰.

۱۰- جهت اطلاع بیشتر، والدانی صص ۵۱-۵۰.

۱۱- همان، صص ۵۲-۵۱.

۱۲- همان، صص ۵۵.

۱۳- یوسف ترابی، بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و ایالت متحده آمریکا، تهران، نشر هروج، ۱۳۷۹.

۱۴- همان، صص ۲۹.

۱۵- همان، صص ۳۰-۲۹.

۱۶- همان، صص ۳۰.

۱۷- همان، صص ۳۰.

۱۸- همان، صص ۲۲ و ۲۳.

۱۹- همان، صص ۳۳.

۲۰- همان، صص ۳۳.

۲۱- همان، صص ۳۴-۳۳.

۲۲- همان، صص ۳۴.

۲۳- همان، صص ۳۵.

۲۴- همان، صص ۳۵.

۲۵- همان، صص ۳۶-۳۵.

۷) **ایجاد تسهیلات برای تدارک نیرو و لجستیک:** واحدهای رزمی دریایی و زمینی مستقر در خلیج فارس و داخل کشورهای منطقه، به تدارک مستمر نیاز دارند و تأمین نیرو و تدارکات از قبیل مهمات، اسلحه، غذا، پوشاک و... عمدتاً با ناوگان دریایی انجام می‌شود و ناوگان دریایی برای تأمین آن باید از تنگه هرمز بگذرد. لذا این تنگه در لجستیک عملیات، به عنوان رکن استراتژی نظامی، نقش مهمی دارد. (۲۰)

۸) **تناسب جغرافیایی و حقوقی تنگه برای عبور واحدهای ویژه دریایی و هوایی:** برای حضور واحدهای دریایی در منطقه خلیج فارس، شرایط توپوگرافیک و حقوقی تنگه هرمز اهمیت ویژه دارد. این شرایط، عمق و پهنای تنگه هرمز به گونه‌ای است که امکان عبور زیر دریاییهای اتمی و ناوهای هواپیمابر از آن وجود دارد. ورود زیر دریاییهای اتمی به داخل خلیج فارس (هر چند به خاطر شرایط توپوگرافیک کف خلیج فارس، نمی‌تواند از قدرت مانور و تحرک مناسب برخوردار باشند) تهدید بالقوه‌ای برای امنیت قدرت زمینی محسوب می‌شود. (۲۱)

علاوه بر اینها، در تنگه هرمز به علت داشتن وضعیت جغرافیایی و حقوقی مناسب که در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا پیش‌بینی شده است، امکان تردد شناورها و ناوهای هواپیمابر و عبور مخفیانه زیر دریاییها و عبور ترانزیت هواپیماهای جنگی و تجاری فراهم است و قدرت زمینی و دریایی که در یک ائتلاف مشترک، اصل عبور ترانزیتی از تنگه‌ها را به تصویب رساندند، از این امکان نیز استفاده می‌کنند. قابل توجه است که تنگه هرمز فاقد جایگزین برای ورود و خروج شناورهای تجاری، جنگی و زیر دریاییها بین خلیج فارس و آبهای آزاد جهان می‌باشد.

۹) **تنگه هرمز به عنوان مکمل استراتژی بری:** استراتژی بری به منظور ایجاد پیوستگی با واحدهای دریایی خود در اقیانوس هند و همچنین کنار زدن رقیب و کنترل آن در خلیج فارس و اقیانوس هند و ایجاد فشار به ماشین جنگی قدرت دریایی از طریق معانعت کردن از عبور نفت و سوخت موردنیاز آنها، به تنگه هرمز نیاز داشته و دسترسی به تنگه، امکان دستیابی به هدفهای استراتژیک یادشده را برایش به وجود می‌آورد. (۲۲)

۱۰) **تأمین امنیت جناح چپ نیروهای قدرت بری:** چنانچه قدرت زمینی از شمال شبه جزیره عربستان به جنوب کشیده شود، در صورتی امنیت خواهد داشت که جناح چپ آن تأمین شده باشد. این امر با تصرف تنگه هرمز و جلوگیری از ورود قدرت دریایی به خلیج فارس مقدور است و از آنجایی که خلیج فارس در آرایش نیروی زمینی شکاف ایجاد می‌کند، بنابراین ضرورت حفظ امنیت جناح چپ آن مضاعف می‌شود. زیرا وقتی که تنگه در کنترل قدرت زمینی باشد، نیروی دریایی تهدیدکننده‌ای برای گسترش قدرت بری در خلیج فارس موجود نخواهد بود و از طرفی نیروی زمینی تجزیه شده بر اثر شکاف خلیج فارس، مجدداً در تنگه هرمز به هم خواهد پیوست و به سمت جنوب برای عقب راندن رقیب از پایگاههای جنوب شرقی شبه جزیره عربستان به پیش خواهد رفت. (۲۳)

۱۱) **صرفه‌جویی در قوا:** قدرتهای بری و بحری برای کنترل خلیج فارس